

پرتره‌هایی از هنر معاصر

دامین هرست، سیندی شرمن
جولیان اشنابل، ریچارد سرا، جیمز تارل
متیو بارنی، موریتسیو کاتلان
جاسپر جانز، جف کونز، جان کارین

کالوین تامکینز

بهنام جلالی جعفری



دامین هرست

در کم‌تر از پنج سال، دامین هرست به مشهورترین هنرمند زنده انگلیسی بدل شد. در سال ۱۹۹۲ روزنامه‌آیندپندنت کاریکاتوری از جان میجر، نخست‌وزیر بریتانیا، چاپ کرد که او را در حالت افقی غوطه‌ور در یک محفظه‌ شیشه‌ای نشان می‌داد و در کنار آن، ناظری می‌گفت: «خدای من! این جسد در حال تجزیه شدن است.» همان‌طور که انتظار می‌رفت خوانندگان این روزنامه توجه کنند، این کاریکاتور به کوسه‌ببری درون مایع فرمالدئید^۱ اشاره می‌کرد که اثری بود در اندازه طبیعی که یک سال پیش از آن توسط غول دنیای تبلیغات، چارلز ساچی، خریداری شده بود. در لندن، هرست به اندازه ستاره‌های موسیقی راک که با آن‌ها دمخور است شهرت دارد، اما هنوز گرفتار شعله‌های سوزان این شهرت نشده است. اکنون (در سال ۲۰۰۸) در سی‌وچهارسالگی او مردی است راک، خوش‌مشرب، شوخ، تیزهوش، بددهن، مشروب‌خور و از اهالی دوست‌داشتنی یورکشیر که به نظر می‌رسد خصوصیات زمخت طبقه کارگری او هر لحظه ممکن است با خشونت بروز کند، اگرچه تاکنون این اتفاق نیفتاده است.

.....
۱. ماده‌ای شیمیایی (formaldehyde).

او برخلاف بیشتر هنرمندان جوان بریتانیایی و هم‌نسلاانش، آثار متنوع زیادی تولید کرده است. علاوه بر اثر کوسه (که نام اصلی اش این است: نمی‌توان مرگ را در ذهن فرد زنده به تصویر کشید) دامین هرست آثار دیگری نیز روی بوم خلق کرده است: نقاشی‌هایی با نقطه‌چین که در آن‌ها تمامی نقطه‌ها یک اندازه اما به رنگ‌های متفاوت هستند، نقاشی‌های چرخشی یا فرفره‌ای که در آن پیگمنت‌ها روی بوم نصب‌شده روی میزگردان چکانده می‌شوند و در نهایت تصویری شکل می‌گیرد، نقاشی‌های پروانه‌ای که از چسباندن پروانه‌های (مرده) خوش‌رنگ روی بوم خیس با زمینه رنگ روشن و براق به وجود می‌آیند. این آثار عمدتاً تزئینی و اغلب چشم‌نوازند، اما هرست سعی می‌کند با عناوینی که برای آن‌ها انتخاب می‌کند این جنبه تزئینی را خنثی کند. او برای نقاشی‌های نقطه‌ای از نام گیاهان دارویی و نام مخدرها یا محرک‌ها استفاده می‌کند و برای نقاشی‌های گردان از نام‌هایی چون: زیبا، خوش‌فرم، بی‌مزه، بی‌فکر، شگفت‌انگیز، چرخان، گردباد، خوش‌خواب (۱۹۹۵) یا زیبا، نقاشی کوفتی‌ام را ببوس (۱۹۹۶).

مجسمه‌سازی بود که هرست را به شهرت رساند، اما اشکال سه‌وجهی او اغلب ترکیبی از هنر مینیمال و سبک گراند گینیول است. در دهه ۷۰ بعضی منتقدان فرم‌گرا هنر مینیمالیستی را بیش‌ازحد تصنعی دانستند. آن‌ها بر این عقیده بودند که هنر مینیمالیستی از بیننده می‌خواهد تا از اشکال ساده و مجسمه‌های ماشین‌سازی یک سناریو بسازد. اما تاتر دانلد جاد یا دن فلاوین با جعبه‌های فلزی یدکی یا لامپ‌های فلورسنت در کنار هزار سال دامین هرست بسیار خودمانی جلوه می‌کند. این اثر او ویتزینی است از سر یک گاو گندیده، لارو‌هایی که تبدیل به حشره می‌شوند و یک حشره‌کش برقی؛ همچنین اثر او به نام می‌خواست کامل‌ترین شکل پرواز را دریابد (۱۹۹۲) شامل محفظه‌ای

از فولاد و شیشه است که کف و دیواره‌های آن به محلولی مانند خون آغشته شده‌اند. دیگر آیتیم‌های این اثر عبارتند از: یک روپوش سفید آزمایشگاه که به جالباسی آویزان شده است، یک صندلی آغشته به خون و یک میز سه‌پایه که روی آن علاوه بر خرت‌وپرت‌های خون‌آلود، یک ماهی قزل‌آلای قرمز در یک جام گرد شنا می‌کند. سناریوی این اثر را بیننده می‌سازد، اما هرست گفته است که اثر او مربوط به تمایلات جنسی می‌شود که در نهایت «همیشه به دلایلی منجر به قتل می‌شود».

در واقع سکس و خشونت در آثار ادبی هرست جایی ندارند. در دهه گذشته بیشتر کارهای حجمی او به مسئله مرگ پرداخته‌اند؛ به عبارت بهتر، به غیرممکن بودن به تصویر درآوردن مرگ در ذهن کسی که مثل خود هرست دل‌باخته زندگی است. هرست جایی گفته است: «مرگ ایده غیرقابل قبولی است، بنابراین تنها راه کنار آمدن با مرگ بریدن از آن و خود را سرگرم ساختن است.» قفسه داروهای او یک ردیف کابینت درشیشه‌ای است با لوازم پزشکی و جراحی یا داروهای گران‌قیمت که مرتب چیده شده‌اند. به گفته هرست، این کار تأییدی است بر این مدعا که مردم به دارو ایمان دارند ولی به هنر نه، و هیچ‌کدام را هم زیر سؤال نمی‌برند. کوسه فرمالدئیدی او که در نگاه اول زنده و خیلی کشنده به نظر می‌آید، گاو و گوساله‌ای که با اره‌برقی دو نیم شده‌اند و هر نیمه در محفظه‌ای شیشه‌ای کنار هم قرار داده شده‌اند (جدایی مادر و فرزند)، بره سفید کامل او که در مایع فرمالدئید غوطه‌ور است طوری که سُم‌هایش به کف نمی‌رسد (دورافتاده از گله)، همه این‌ها که وحشتناک، بیمارگون، احساساتی یا مشمئزکننده به نظر می‌آیند، چون در محفظه‌های شیشه‌ای قرار گرفته‌اند توجه ما را به سطح دیگری از معنی سوق می‌دهند نه به آنچه هرست مد نظر داشته است. او به من می‌گوید: «خیلی‌ها فکر می‌کنند هنر

چیز عجیب و غریب و گیج‌کننده‌ای است. می‌خواهم از آن‌ها دعوت کنم اول به هنر روی آورند و بعد قضاوت کنند.» کار او چه احساساتی باشد چه نباشد — چیزی که بعضی منتقدان می‌گویند شوک برای شوک — مجسمه‌های او را نمی‌توان به سادگی فراموش کرد. بهترین آثار او، شبیه آثار برتر اندی وارهول، با هنرنمایی یک استاد تبلیغات چی به فروش رفته‌اند. به هر حال، هرست می‌خواهد بداند احساساتی بودن چه اشکالاتی دارد؟

ژوئن گذشته، یک روز عصر هرست به من گفت: «من فکر می‌کنم هنر همیشه به چیزهای عالی علاقه دارد. مرگ ترسناک است؛ اگر در موردش فکر نکنید بر شما غلبه خواهد کرد. می‌خواهم بگویم: "ببین! نظرت در مورد این چیه؟"» ما در آشپزخانه مزرعه سیصدساله هرست در دوون نشسته بودیم و از شام خوشمزه‌ای که درست کرده بود لذت می‌بردیم. تلفن او ده دقیقه هم بیکار نبود. مزرعه او تا لندن با قطار دو ساعت و تا ایستگاه قطار با تاکسی چهل و پنج دقیقه فاصله دارد. کانر، پسر چهارساله دامین، روی پای پدرش نشسته بود و با سروصدا بازی می‌کرد. مایا نورمن، همسر دامین و مادر کانر، قرار بود نیمه‌شب بیاید. او با یکی از رنجروورها^۱های آن‌ها از لندن راه افتاده بود. آن‌ها چند روز گذشته را در لندن بودند. مثل همیشه مشاوره مفصلی بود. گاهی دامین در دفتر کارش با مشاورانش، هیو آلن و جود تیرل، در مورد پروژه‌ها و فعالیت‌هایش مشورت می‌کرد؛ آن‌ها در مورد «میلی»^۲ بحث و گفت‌وگو کردند — موشک آتش‌بازی که دامین مهندسی و طراحی کرده و قرار بود یک شرکت چینی آن را بسازد و به قیمت هر قطعه ۲۹ پوند در فروشگاه‌های بزرگ به فروش برسد؛ در

۱. نام خودرو (Rangerover).

2. Milly

مورد بیگل ۲، سفینه کاوشگر انگلیسی که قرار بود دامین هرست روی بدنه‌اش نقاشی کند و طی برنامه آژانس فضایی اروپا در ماه مارس ۲۰۰۳ به فضا پرتاب شود؛ و درباره یک مستند تلویزیونی درباره گوشت که قرار بود با صدای دامین هرست پخش شود.

تهیه ناهار برای دویست نفر از مدعوین مراسم سالگرد تأسیس داروخانه در رستوران ناتینگ هیل که دکور آن کار هرست بود از مهم‌ترین دغدغه‌های او بود. همچنین دامین پیشرفت کار ده نفر از دستیارانش را در دو استودیوی لندن چک کرده بود و متعاقب آن جشن و سرور خود را با نوشیدن مشروب و بازی بیلیارد در کلوپ گروچو کامل کرده بود. این کلوپ پاتوق مشاهیر رسانه‌ای، فیلم و هنر بود و در آن جا مست‌بازی‌های دامین و دوستانش نه تنها تحمل بلکه تشویق می‌شد.

شب آخری که در لندن بودند، دامین برای هنرمند ۸۷ساله مشهور سوررنال، ماتا، مهمانی شام ترتیب داده بود. او ماتا را روز قبل ملاقات کرده بود. آن شب دامین اصلاً نخوابیده بود و به همراه مایا و مادر خودش، ماری برنان، — که در کلبه‌ای نزدیک مزرعه دوون زندگی می‌کند — به داروخانه و گروچو و چند جای دیگر سر زده بود. ماری برنان در نگهداری از کانر کمک می‌کند و موقعی که به لندن می‌آید اصلاً اهمیت نمی‌دهد تا چه ساعتی از شب بیدار بماند. دامین ساعت ۳ نیمه‌شب آن‌ها را در قایق تفریحی روی رودخانه تمز — محل زندگی آنان در لندن — پیاده کرد و خدا می‌داند تا ساعت ۲ بعدازظهر روز بعد که در مراسم سالگرد داروخانه شرکت کرد کجا رفته بود. در این مراسم حساسی مست، اصلاح‌نکرده و نامرتب و چشم‌هایش نیمه‌باز بود. او چند گیلان نوشیده بود (دامین دوست دارد نوشیدنی‌های الکلی را با هم ترکیب کند) و نمی‌توانست خودش را جمع‌وجور کند، اما